



دانشگاه تربیت معلم سبزوار

دانشگاه تربیت معلم سبزوار

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه جهت دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد

رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

نقد و مقایسه ویژگی‌های انسان کامل در اسلام، ادبیات عرفانی و اومانیسم

استاد راهنما :

دکتر عباس محمدیان

استاد مشاور:

دکتر علی تسنیمی

نگارش :

آرزو امین خندقی

اسفندماه ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به :

امام عصر (عج)

تقدیر و تشکر

از خدا جویم توفیق ادب بی ادب محروم ماند از لطف رب

اینک که به فضل و عنایت الهی موفق به نگارش و تدوین پایان نامه‌ی تحصیلی خود در مقطع کارشناسی ارشد شده‌ام، به جاست که از تلاش‌های دلسوزانه‌ی استاد راهنمای خود، جناب آقای **دکتر عباس محمدیان** که در طول نگارش این رساله، همواره پشتیبان و یاور من بود، تشکر و قدردانی نمایم. هم‌چنین بر خود لازم میدانم تا از راهنمایی‌های بی‌دریغ استاد مشاور خود، جناب آقای **دکتر علی تسیمی** سپاسگزاری کنم. بی‌شک، بدون همراهی و راهنمایی‌های عالمانه‌ی این عزیزان، این پژوهش به سرانجام نمی‌رسید. از دیگر اساتید گروه نیز که همواره مرا مورد لطف و عنایت قرار داده‌اند، نیز صمیمانه تشکر می‌کنم.

در پایان از والدین عزیز و همسر گرامی‌ام که همراه و همدل این سفر طولانی و مایه‌ی دلگرمی و امیدواری برای بنده بودند کمال سپاس را دارم.

آرزو امین خندقی



دانشگاه تجریت علم سبزوار

فرم چکیده‌ی پایان‌نامه‌ی دوره‌ی تحصیلات تکمیلی

دفتر مدیریت تحصیلات تکمیلی

نام خانوادگی دانشجو: امین خندقی	نام: آرزو	ش دانشجویی: ۸۷۱۳۳۲۱۰۲۱
استاد راهنما: دکتر عباس محمدیان	استاد مشاور: دکتر علی تسنیمی	
دانشکده: ادبیات و علوم انسانی	رشته: زبان و ادبیات فارسی	گرایش: _____
مقطع: کارشناسی ارشد	تاریخ دفاع: ۱۴ اسفندماه ۹۰	تعداد صفحات: ۲۱۵
عنوان پایان‌نامه: نقد و مقایسه ویژگی‌های انسان کامل در اسلام، ادبیات عرفانی و اومانیسم		
کلیدواژه‌ها: انسان، کمال، اسلام، ادبیات عرفانی، اومانیسم، انسان کامل		

در این رساله به بررسی نظرگاه هر یک از سه تفکر اسلامی، عرفانی و اومانیستی در باره‌ی انسان، جهان، خدا، غایت و کمال انسان پرداخته شده است. کمال، در هر یک از مکاتب یاد شده تعریف شده و عوامل و موانع رسیدن به آن نیز طرح شده است. ضرورت وجود انسان کامل و جایگاه او در جهان و در ارتباط با خدا، انسان‌ها و موجودات دیگر نیز، مطلبی است که در این جستار، بیان شده است.

در پایان، پس از نقد اومانیسم، به عنوان مکتبی که مدعی انسان‌مداری و حمایت از انسان می‌باشد، به مقایسه و نقد مؤلفه‌های یاد شده در باره‌ی کمال، انسان کامل و مسایل پیرامون آن در سه مکتب یاد شده با روش عقلی و استدلالی و استفاده از آیات و روایات پرداخته شده است. بهترین الگوی انسان کامل، انسان کاملی است که اسلام، معرفی می‌کند.

انسان کامل اومانیسم، سیمایی مادی دارد؛ قدرتمند لذت پرستی است که دست به حیوانی‌ترین اعمال و رفتار می‌زند. انسان کامل صوفیه هر چند قرب خدا را پیش چشم دارد ولی سر در گریبان خویش است و اهل افراط و تفریط در امور دنیا و آخرت. انسان کامل اسلام هم برای دنیایش تلاش می‌کند و هم برای آخرت. صالح و مصلح است و صفات عالی انسانی در او به اوج خود رسیده است.

۱۷	و (ب) ویژگی‌های منفی	و	پیش گفتار
۱۹	علت تعبیه‌ی گرایش‌های منفی در انسان	۲	فصل اول: انسان کامل در اسلام
۲۰	ارزش و مقام انسان	۲	انسان کامل در اسلام
۲۲	حیات انسان از منظر اسلام	۲	ضرورت شناخت انسان
۲۲	زندگی ایده آل	۳	انسان شناسی دینی
۲۳	کمال و مفهوم آن	۳	الف) جامعیت
۲۴	مراد از کمال انسان چیست؟	۴	ب) اتقان و خطا ناپذیری
۲۴	اهمیت مبدأ و معاد در کمال انسان	۴	ج) توجه به مبدأ و معاد
۲۵	چند نکته درباره‌ی کمال	۴	د) بینش ساختاری
۲۵	دلایل کمال طلبی انسان	۵	انسان شناسی قرآنی و برجستگی‌های آن
۲۶	خداوند، کمال مطلق و غایت نهایی	۵	تعریف انسان
۲۷	نقطه‌ی اوج کمال انسانی	۶	انواع آیات درباره انسان
۲۸	مصدق کمال نهایی انسان	۷	آفرینش انسان و فلسفه‌ی خلقت او
۲۹	نکاتی در مورد قرب و سعادت	۷	هدف اعلا‌ی زندگی در نگاه حضرت امیر (ع)
۳۰	رابطه‌ی ایمان و قرب	۷	ابعاد وجودی انسان و نیازهای او
۰۳	عبودیت، راه رسیدن به تقرّب	۹	ابعاد وجودی انسان
۱۳	معصومین، راهنمایان به سوی قرب و کمال	۹	۱- عقل و اندیشه
۱۳	عوامل و موانع رسیدن به کمال	۹	۲- دل و قلب
۱۳	عوامل مؤثر در رسیدن به کمال	۹	نیازها و تمایلات انسان
۱۳	الف. عوامل خارجی	۱۱	جسم و روح در انسان شناسی قرآنی
۳۳	ب. عوامل داخلی کمال	۱۱	ابعاد روحانی و نفسانی انسان
۶۳	موانع کمال	۱۲	نکاتی در مورد روح انسان
۳۹	ضرورت وجود انسان کامل	۱۲	نفس انسان؛ تکریم و مذمت آن
۰۴	الف) دیدگاه کلامی	۱۳	فطرت
۱۴	ب) دیدگاه فلسفی و عقلی	۱۳	احتمالات در باب فطری بودن توحید
۲۴	ج) دیدگاه عرفانی	۱۴	اقسام فطریات انسان
۲۴	سیمای انسان کامل	۱۴	فطرت و کمال جویی
۳۴	انسان کامل کیست؟	۱۵	ویژگی‌های طبیعت انسانی
۴۴	جایگاه انسان کامل در نظام هستی	۱۵	الف) ویژگی‌های مثبت

۳۸	طبقات انسان‌های کامل	۷۴	مقامات انسان کامل
۳۸	اسامی انسان کامل	۱۵	صفات و ویژگی‌های انسان کامل
۴۸	سیمای انسان کامل	۰۶	نشانه‌های رستگاران در سوره‌ی مؤمنون
۴۸	انسان کامل، نگین انگشتر هستی	۱۶	صفات انسان کامل در نهج‌البلاغه
۴۸	انسان کامل، نقطه‌ی پرگار وجود	۱۶	۱. سیمای پرهیزکاران
۵۸	انسان کامل، جلوه‌ی کامل حق و آینه‌ی گیتی نما	۲۶	۲. شب پرهیزکاران
۵۸	انسان کامل، عصاره و غایت خلقت	۲۶	۳. روز پرهیزکاران
۶۸	انسان کامل، نخستین پدیده‌ی خلقت	۳۶	۴. نشانه‌های پرهیزگاران
۶۸	انسان کامل، آینه‌ی تمام‌نمای حق		یادداشت‌ها
۷۸	انسان کامل و خلافت الهی		
۷۸	مراتب وجودی و مقامات انسان کامل	۸۶	فصل دوم: انسان کامل در ادبیات عرفانی
۸۸	مصدق انسان کامل	۹۶	انسان کامل در ادبیات عرفانی
۰۹	روش‌های نیل به کمال	۰۷	انسان، عالم صغیر
۸۹	روش‌های نیل به کمال از نظر شمس تبریزی	۰۷	انسان، کون جامع
۸۹	موانع رسیدن به کمال	۱۷	تعریف انسان
۹۹	حجاب‌های میان بنده و خدا	۱۷	اطوار و منازل خلقت آدمی
۱۰۰	وجود حضور انسان کامل در هر عصر	۲۷	اطوار و منازل روح و نفس انسان
۱۰۱	ویژگی ابدال و برگزیدگان حق	۳۷	روح و ترقی آن
۱۰۱	۱- گر ولی زهری خورد، نوشی شود.	۴۷	انسان، میان دو بی‌نهایت
۱۰۲	۲- انسان کامل و نیروی قدرت خلاقه‌ی الهی	۴۷	معماهای بزرگ انسان
۱۰۲	۳- طاعت عوام، گناه خواص و برگزیدگان	۶۷	مطلوب بشر چیست؟
۱۰۲	۴- لقمه‌ی حلال	۶۷	دردهای درونی بشر و درمان آن
۱۰۲	۵- عزلت	۷۷	انسان و کمال
۱۰۳	۶- صمت	۷۷	احتیاج سالک به عقول کامل
۱۰۳	۷- جوع	۸۷	کمال و مفهوم آن
۱۰۴	۸- سهر	۹۷	انسان کامل
۴۰۵	۹- عدم ارتکاب خطا و گناه	۰۸	ضرورت وجود انسان کامل
۱۰۵	۱۰- عطا و بخشش، بدون توقع سود و عوض	۱۸	تاریخچه‌ی اصطلاح انسان کامل
۱۰۶	۱۱- منت خدمت نمی‌کشند.	۸ ۲	فلسفه‌ی وجود انسان کامل

۱۲۴	انسان در سده‌ی هجدهم / عصر روشنگری	۱۰۷	۱۲- آگاه از اسرار غیب و سرایر خلق
۱۲۶	انسان در سده‌ی نوزدهم	۱۰۷	۱۳- قدرت تصرف در نفوس خلق
۱۲۶	اساس معرفت شناسی اومانیستی	۱۰۸	۱۴- باران رحمت و کشتی نجات
۱۲۷	درون مایه‌ها و اصول اومانیسم	۱۰۸	۱۵- اسرافیل وقت
۱۳۲	خردگرایی و تجربه گرایی	۱۰۹	۱۶- تقرّب به انسان کامل
۱۳۴	سیر معرفت شناسی اومانیستی	۱۰۹	۱۷- کعبه ی صدق
۱۳۴	دو سنت فلسفی در غرب	۱۰۹	۱۸- اولیای مستور خداوند
۱۳۸	الف) جریان فلسفی فرانسه و آلمان	۱۰۹	۱۹- اطفال حق
۱۳۸	دکارت (۱)	۱۱۰	۲۰- اصحاب کهف
۱۳۹	انسان و خدا در اندیشه‌ی دکارت	۱۱۰	۲۱- اولیا، از جنس دیگر افراد بشر نیستند.
۱۴۰	باروخ اسپینوزا (۲)	۱۱۱	۲۲- خواست اولیای خدا، اراده و مشیت حق
۱۴۰	ایمانوئل کانت (۳)	۱۱۱	۲۳- وارث انبیا
۱۴۰	خدا و انسان در تفکر کانت	۱۱۱	۲۴- آزادی و فراغت از تعلّقات دنیا
۱۴۱	کنت (۴)	۱۱۲	۲۵- خدمت، بی چشم داشت دستمزد
۱۴۱	انسان و دین در تفکر کنت		
۱۴۲	هگل (۵)	۱۱۶	فصل سوم: انسان کامل در اومانیسم
۱۴۲	کارل مارکس (۶)	۱۱۷	زمینه‌ها و عوامل پیدایش اومانیسم
۱۴۶	نیچه (۷)	۱۱۸	شکل‌گیری و پیدایش
۱۴۴	ژان پل سارتر (۸)	۱۱۹	سیر تاریخی عقاید فیلسوفان غربی در باب انسان
۱۴۵	ب) سنت فکری - فلسفی بریتانیا	۱۲۰	انسان در دوره‌های قدیم
۱۴۵	فرانسیس بیکن و جان لاک (۹ و ۱۰)	۱۲۰	انسان در نیمه‌ی قرن پنجم پیش از میلاد
۱۴۶	دیوید هیوم (۱۱)	۱۲۱	انسان در قرون وسطی
۱۴۶	نتیجه و سرانجام دو جریان	۱۲۱	دین و دنیا در قرون وسطی
۱۴۷	کمال انسان در تفکر اومانیستی	۱۲۲	خصوصیات محیطی ارباب کلیسا و فئودال‌ها
۱۴۷	کمال و کمال جویی	۱۲۳	انسان در عصر رنسانس / ظهور انسان شناسی فلسفی
۱۴۸	انسان کامل در مسیر تاریخ	۱۲۴	تولد اومانیسم
۱۴۹	ویژگی‌های انسان کامل در مکاتب مختلف	۱۲۴	انسان در سده‌ی شانزده
۱۵۲	سیمای انسان کامل از دیدگاه تنی چند از متفکران ...	۱۱۶	انسان در قرن هفده

۱۷۴	۱۵۲	(۱) نیهیلیسم	۱ - کارل مارکس
۱۷۵	۱۵۳	(۲) تکنیک	۲- اریک فروم
۱۷۵	۱۵۵	(۳) تقابل انسان و خدا	۳- سارتر
۱۷۶	۱۵۷	(۴) از خود بیگانگی	نیچه
۱۷۸	۱۵۹	(۵) آزادی یا توهم آزادی	یادداشت‌ها
۱۷۹		بحران آزادی؛ راهکارها	
۱۸۰	۱۶۰	(۶) مسخ و انکار ذات انسان	فصل چهارم: نقد و مقایسه سه دیدگاه
۱۸۱	۱۶۱	(۷) تناقض اندیشه و عمل در مکتب اومانیسم	انسان شناسی
۱۸۱	۱۶۱	سرنوشت نهایی اومانیسم	محورهای اساسی اندیشه‌های بشر
۱۸۲	۱۶۲	اومانیسم در عصر حاضر	اهمیت و ضرورت انسان شناسی
۱۸۳	۱۶۲	راه نجات بحران غرب	الف) انسان شناسی در چارچوب اندیشه‌ی بشری
۱۸۳	۱۶۳	(۱) هویت انسان	ب) در چارچوب معارف دینی
۱۸۴	۱۶۴	(۲) صفات انسان	بحران انسان شناسی معاصر
۱۸۵	۱۶۵	(۳) تمایل به پرستش	ابعاد بحران انسان شناسی معاصر
۱۸۶	۱۶۵	(۴) زندگی اخروی و زندگی دنیوی	تبعات سیاسی - تاریخی اندیشه‌های دکارت تا سارتر
۱۸۶	۱۶۵	بعد مادی حیات	نقدی بر روش‌های سیاسی و تاریخی دو جریان فکری اومانیسم
۱۸۷	۱۶۶	(۵) هدف دار بودن حیات انسانی	پایان طغیان متافیزیکی از دیدگاه کامو
۱۸۸	۱۶۶	(۶) احترام به جان انسان‌ها	موضع گیری متفاوت دانشمندان درباره‌ی اومانیسم
۱۸۹	۱۶۶	(۷) ملاک برتری انسان‌ها بر یکدیگر	مدافعان اومانیسم
۱۹۱	۱۶۷	(۸) قدرت یا ضعف	مخالفان اومانیسم
۱۹۱	۱۶۸	(۹) عشق و احساس	ویژگی‌ها و سیمای اومانیست‌ها از دیدگاه منتقدین آنها
۱۹۲	۱۶۸	(۱۰) علم و عقل	بحران در معرفت شناسی اومانیستی
۱۹۲	۱۶۹	(۱۱) نفس	نیچه
۱۹۳	۱۶۹	(۱۲) رابطه‌ی انسان و طبیعت	ابرمرد(انسان کامل) نیچه
۱۹۴	۱۷۰	(۱۳) درون گرایی یا برون گرایی	مرگ خدا
۱۹۵	۱۷۱	(۱۴) هدف از رشد انسان	هایدگر
۱۹۶	۱۷۲	(۱۵) پایان راه	نقد اومانیسم
۱۹۷	۱۷۴	(۱۶) سعادت و کمال	تبعات اجتماعی اومانیسم

۱۹۷	انواع رویکردها درباره‌ی سعادت
۱۹۹	ب) رویکرد دینی در تبیین سعادت و کمال
۲۰۰	اسلام و مکتب لذت‌گرایی
۲۰۰	اسلام و مکتب قدرت
۲۰۰	اسلام و مکتب دنیا‌گریزی
۲۰۱	اسلام و مکتب عاطفه‌گرایی
۲۰۲	۱۷-وسیله‌ی رسیدن به کمال
۲۰۲	نتیجه‌گیری
۲۰۳	۱) خدا
۲۰۴	۲) جهان
۲۰۵	۳) انسان
۲۰۵	۴) سرانجام انسان این مکاتب
۲۰۶	۵) کمال در سه مکتب
۲۰۶	۶) انسان کامل
۲۰۹	یادداشت‌ها
۲۱۰	منابع و مأخذ

پیشگفتار

ای نام تو بهترین سرآغاز
بی نام تو نامه کی کنم باز

موضوع این رساله نقد و مقایسه ویژگی های انسان کامل در اسلام، ادبیات عرفانی و اومانیسم می باشد. همه ی موجودات هستی بر اساس هدف و غایتی آفریده شده اند و همه به سوی آن حقیقت والا و متعالی در حال حرکتند. این مسیری که همه باید طی کنند طریق کمال است و مسلماً کمال هر موجودی با موجود دیگر متفاوت است. انسان نیز که اشرف مخلوقات است برای خویش، مسیر کمال ویژه ی خود را دارد. در طی قرن های متمادی از آفرینش انسان، افرادی بوده و هستند که به کمال غایی خویش رسیده اند.

با توجه به مطالب فوق، شناخت سیمای انسان به کمال رسیده و به تعبیری «انسان کامل»، ضرورت دارد؛ از آن جهت که از یک سو الگوبرداری صحیح از انسان های به کمال رسیده، باعث می شود که انسان با پیروی از راهی که آن بزرگان رفته اند به کمال خویش نایل شود؛ از دیگر سو، آشنایی با سیمای انسان کامل راستین، با توجه به انواع مکاتب فکری و حتی انحرافی، انسان را از گمراهی و به بیراهه رفتن باز می دارد.

تعبیر انسان کامل در ادبیات اسلامی تا قرن هفتم هجری وجود نداشته است؛ حال آن که امروزه در اروپا هم این تعبیر بسیار مطرح است. اولین کسی که تعبیر انسان کامل را مطرح کرد «محمی الدین عربی»، پدر عرفان اسلامی است. عرفا و بزرگانی چون عزیز الدین نسفی، مولوی، شیخ محمود شبستری، شهید مطهری و امام خمینی هرکدام از دید خود ویژگی های انسان کامل را به اشکال مختلف بیان کرده اند .

پس از محی الدین ابن عربی، عزیز الدین نسفی، نخستین نویسنده ای است که نام رساله های خود را «انسان کامل» خواند و این نظریه را شرح داد و گستراند. پس از او عبدالکریم جیلی (گیلانی) در کتاب «الانسان الکامل فی معرفه الاواخر والاوائل»، به این نظریه روی آورد و پس از او کم کم، این بحث، صورت کلاسیک به خود گرفت و یکی از باورهای اهل معنی شد.

در سده ی نهم، مولانا جامی نکته های دشوار و پیچیده ی کتاب «فصوص» را حل کرد و افکار ابن عربی را در زمینه ی انسان کامل، برای صاحب نظران دیگر در خور فهم ساخت. مولانا جلال الدین رومی نیز، هم چون عرفای نامدار دیگر به طرح این بحث، پرداخته است. امام خمینی، از آخرین چهره های عرفانی است که به بحث انسان کامل پرداخت. از بحث های اساسی امام خمینی در «شرح چهل حدیث» و «شرح دعای سحر»، بحث انسان کامل است.

پژوهشی حاضر که حقیقتاً مفصل و نیازمند مطالعه و بررسی فراوان بود، پژوهشی تقریباً تطبیقی و در نوع خود، تا آنجا که بنده تفحص کردم، منحصر به فرد می باشد. در واقع، در مورد انسان کامل و ویژگی های آن در اسلام و عرفان سخن گفته شده اما اثری که به نقد و مقایسه ی دیدگاه های مختلف درباره ی انسان کامل پرداخته باشد بسیار نادر است؛ در واقع تنها اثر موجود، کتاب *سیمای انسان کامل در مکاتب آقای عبدالله نصری* بود که آن هم با روش مقایسه و نقد، به انسان کامل پرداخته است.

در این پژوهش، در فصل اول، انسان کامل از دید قرآن و سنت، معرفی شود. در فصل دوم به بررسی ویژگی های انسان کامل در ادبیات عرفانی پرداخته خواهد شد. گام بعد ترسیم چهره ی انسان کامل از دیدگاه اومانیستی است؛ یعنی فصل سوم. اصلی ترین بخش این رساله، قسمتی است که به تحلیل و مقایسه ی این سه دیدگاه، اختصاص داده می شود. در فصل چهارم، مقصود نهایی که معرفی برترین دیدگاه درباره ی انسان کامل است، محقق خواهد شد و انسان کامل اسلام، به عنوان برترین انسان کامل در بین این سه دیدگاه، معرفی می شود.

انسان کامل، هرچند که اصطلاحی قرآنی نیست ولی ریشه و خواستگاه آن را باید در قرآن جست. زیرا واژگان و اصطلاحات بسیاری را در آن می‌توان یافت که بر این مفهوم دلالت می‌کند و از آن میان می‌توان به خلیفه الله، مخلص، مظهر و ولیّ الله اشاره کرد؛ این اصطلاح به کسی اطلاق می‌شود که مظهر همه نام‌های نیکوی خدا و آینه‌ی تمام‌نمای خداوند است و در همه چیز، سر مشق و کامل است.

در یک سوی این عنوان، مصداقی چون پیامبر اکرم (ص) قرار می‌گیرد و در اوج، قرار دارد و نمونه‌ی اکمل و اتم است و قرآن از وی به عنوان اسوه و نمونه‌ی کامل یاد می‌کند. از دیدگاه **نهج البلاغه**، کسی انسان کامل به شمار می‌رود که نسبت به همه ارزش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی توجه داشته باشد و سعی و تلاش فراوان در جهت تقویت آن‌ها، به خرج دهد و روز و شب، از یاد خدا و شکرگزاری از نعمت‌های بی‌کرانش غفلت نرزد. امیرمؤمنان علی علیه السلام در توصیف پرهیزکاران که برجسته‌ترین نمونه انسان‌های کامل اند، چنین فرمود: از نشانه‌های پرهیزکاران این است که او را این‌گونه می‌بینی: در دینداری، نیرومند، نرم‌خو و دوراندیش است؛ دارای ایمانی سرشار از یقین؛ حریص در کسب دانش؛ با داشتن علم، بردبار؛ در توانگری، میانه‌رو؛ در عبادت، فروتن؛ در تهی‌دستی، آراسته؛ در سختی‌ها بردبار؛ در جستجوی کسب حلال؛ در راه هدایت، شادمان و از آزمندی به دور است. اعمال نیکو انجام می‌دهد و ترسان است. روز را به شب می‌رساند با سپاسگزاری و شب را به روز می‌آورد با یاد خدا. شب می‌خوابد اما ترسان؛ و برمی‌خیزد؛ شادمان. ترس برای این که دچار غفلت نشود و شادمانی برای فضل و رحمتی که به او رسیده است.

از سوی دیگر، انسان کامل عرفا انسانی است که به خدا می‌رسد. وقتی به خدا رسید مظهر کامل همه‌ی اسماء و صفات الهی می‌شود و آینه‌ای می‌شود که ذات حق در او ظهور و تجلی می‌کند. وسیله‌ای که مکتب عرفان برای رسیدن انسان به مقام انسان کامل، معرفی می‌کند اصلاح و تهذیب نفس است، توجه به خداست. هر چه بیشتر انسان به خدا توجه کند و هر چه بیشتر توجه به غیر خدا را از ذهن خود دور کند و هر چه بیشتر به درون خود فرو رود و هر چه ارتباط خود را از بیرون بیشتر قطع کند به مقام انسان کامل نزدیک‌تر می‌شود. وضعی که این دیدگاه دارد روش نادرستی است که برای رسیدن به کمال، معرفی می‌کند که در جای خود بدان خواهیم پرداخت.

مسئله‌ی دیگری که در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت، اومانیسیم و بررسی ویژگی‌هایی است که این مکتب در معرفّی انسان کامل و کمال به دست می‌دهد. اصطلاح اومانیسیم را در فارسی با واژه‌هایی مانند انسان‌گرایی، انسان‌مداری، مکتب اصالت انسان و انسان دوستی، معادل قرار می‌دهند. اومانیسیم در معنای رایج آن، نگرش یا فلسفه‌ای است که با نهادن انسان در مرکز تأملات خود، اصالت را به رشد و شکوفایی انسان می‌دهد. این مفهوم را به دشواری می‌توان یک مکتب خاص و مستقل مانند بقیّه‌ی مکاتب فلسفی به شمار آورد، بل که اومانیسیم نگرشی پر نفوذ است که از رنسانس به این سو در بسیاری از آرا و نظریه‌های فلسفی، دینی، اخلاقی، ادبی - هنری و نیز در دیدگاه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مغرب زمین، ریشه دوانده است.

این جنبش، بیشترین اهتمام خود را صرف گریز از وضعیّت حاکم در دوره قرون وسطا و نفوذ کلیسایی قرار داده بود؛ و چندان دغدغه نظم دادن به اندیشه‌های خود در چارچوب‌های علمی و فلسفی نداشت. اومانیسیت‌ها، بیشتر، از اندیشه‌هایی استقبال می‌نمودند که در تقابل و تخالف با نظام حاکم قرون وسطایی شکل می‌گرفت. آن‌ها مفاهیمی از قبیل اختیار و آزادی انسان را - در مقابل اندیشه حاکمیت امپراطوری و کلیسا و اصول فئودالیت - همواره می‌ستودند. طبیعت‌گرایی، تصدیق جایگاه لذّت در زندگی اخلاقی، تساهل و تسامح دینی از دیگر موضوعاتی بود که بتدریج مورد علاقه اومانیسیت‌ها قرار گرفت.

اومانیسیم نیز برای خود، انسان کاملی دارد که نیچه نام او ابرمرد گذاشته است. به این انسان کامل نیز خواهیم پرداخت. نتیجه‌ی نهایی این است که انسان کامل اسلام، بر انسان کامل دو دیدگاه دیگر تفوق و برتری دارد. دلایل آن در ادامه‌ی روند این پژوهش بیان خواهد شد. مسلماً این پژوهش، اولین و آخرین نخواهد بود. امید که در آیند ای نه چندان دور، محققان و جویندگان علم، این راه بی‌انتها را با گام‌های استوار خویش بپیمایند.

در این پژوهش، از روش کتابخانه‌ای در گردآوری مطالب استفاده شد و از آن جا که مطلب، مقداری سنگین، دیرپاب و نظری بود تقریباً بیشتر جنبه‌ی توصیفی داشت. البته چینه‌س مطالب به گونه‌ای است که مخاطب با مطالعه‌ی دقیق هر فصل با فضای فکری هر مکتب، راجع به انسان کامل، آشنا خواهد شد و در حقیقت با مقدمات و استدلالات بیان شده، خود به نتیجه‌گیری نهایی مبنی بر این که انسان کدام مکتب، کامل است، خواهد رسید. البته حقیر در فصل پایانی رساله در حدّ

بضاعت خود به تحلیل های مورد نیاز پرداخته ام. امید که این راه ناتمام، با گام های استوار دیگر
محققان این سرزمین کهن پیموده شود.

فصل اوّل

انسان کامل در اسلام

ضرورت شناخت انسان

انسان شناسی دینی

ابعاد وجودی انسان

ابعاد روحانی و نفسانی انسان

زندگی ایده آل

کمال و مفهوم آن

نقطه‌ی اوج کمال انسانی

عوامل و موانع رسیدن به کمال

ضرورت وجود انسان کامل

سیمای انسان کامل

انسان کامل کیست؟

صفات و ویژگی‌های انسان کامل

انسان کامل در اسلام

«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (شمس: ۹)

انسان چگونه موجودی است؟ چه ابعاد وجودی دارد؟ هدف از آفرینش او چیست؟ مبدأ و مقصد حیات او کجاست؟ آیا جز زندگی در این جهان، حیات دیگری نیز دارد؟ مقصود و مطلوب هر انسانی چیست؟ کمال انسان در چیست؟ انسان کامل کیست؟ چگونه می‌توان به کمال، نایل شد؟ سؤالاتی از این دست، همواره در ذهن بشر وجود داشته و دارد. اندیشه‌ای که در طول اعصار مختلف، بشر را به خود مشغول کرده است و انسان، همواره در پی یافتن این سؤالات بوده است. در این بخش به بررسی پاسخ سؤالات مزبور از دیدگاه قرآن و سنت می‌پردازیم و نهایتاً بحث سیمای انسان کامل در اسلام را به تفصیل، شرح و تبیین خواهیم کرد.

ضرورت شناخت انسان

اساساً چه نیازی هست که انسان را بشناسیم تا ناگزیر شویم سؤالات ذکر شده در بخش قبل را درباره انسان، مطرح کرده و به آن‌ها پاسخ دهیم؟ در پاسخ باید گفت: اولاً: شناخت انسان، راهی است برای شناخت خدا. ثانیاً: بدون شناخت انسان نمی‌توان استعدادها و نیازهای او را شناخت. با شناخت صحیح انسان و ابعاد گوناگون وجود اوست که می‌توان به بهره‌برداری صحیح از استعدادها و برآوردن صحیح نیازهای او پرداخت. ثالثاً: در ارتباط با مسئله‌ی فوق باید گفت که بدون شناخت انسان، مسئله‌ی اساسی تربیت به حل و فصل نهایی خود نخواهد رسید. یعنی تا انسان شناخته نشود نمی‌توان یک نظام تربیتی صحیح برای رشد انسان عرضه نمود. «ناتوانی بسیاری از مکاتب تربیتی فرهنگ غرب، ناشی از عدم شناخت صحیح انسان است» (نصری، ۱۳۶۸: ۸). رابعاً: بدون شناخت انسان، نمی‌توان تکالیف و وظایف

انسان‌ها را مشخص کرد. اگر انسان درست شناخته نشود، نمی‌توان بایدها و نبایدهای اساسی را برای او تعیین کرد و بدون شناخت انسان، هیچ نظام حقوقی، سیاسی، اقتصادی و خانوادگی صحیح، قابل‌ارایه نیست.

انسان‌شناسی دینی

مکاتب و مسلک‌های مختلف فکری در طول زمان به بررسی انسان و شناخت او پرداخته‌اند. دین اسلام نیز، شناخت انسان را جزء محوری‌ترین و اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین مباحث خود قرار داده است. انسان‌شناسی دینی در مقایسه با دیگر انواع هم عرض خود، از امتیازهایی برخوردار است که به اختصار به آن‌ها می‌پردازیم تا مزیت این نوع انسان‌شناسی بر انسان‌شناسی‌های الحادی و غیر دینی و انسان‌مدار، روشن شود.

الف) جامعیت

از آن جا که انسان‌شناسی دینی از دستاوردهای وحیانی سود می‌جوید و روش وحیانی به قلمرو خاصی محدود نیست، می‌تواند از جامعیتی ویژه برخوردار باشد؛ به این معنا که حتی اگر از بعد خاصی سخن بگوید، این سخن با توجه به مجموعه ابعاد وجودی انسان، مطرح می‌شود زیرا گوینده‌ی سخن از معرفت کامل و جامعی برخوردار است. افزون بر این، انسان‌شناسی دینی ابعاد مختلف وجود انسان را مد نظر قرار می‌دهد و از ابعاد جسمانی و زیستی، تاریخی و فرهنگی، دنیایی و آخرتی، فعلی و آرمانی و مادی و معنوی سخن به میان می‌آورد. «این انسان‌شناسی، در برخی از این حوزه‌ها، حقایقی را در اختیار قرار می‌دهد که از طریق انواع دیگر انسان‌شناسی و روش‌های آن، قابل دست‌یابی نیست» (رجبی، ۱۳۸۰: ۳۶).

ب) اتقان و خطا ناپذیری

بهره گیری انسان شناسی دینی از معارف و حیانی، با توجه به خطاناپذیری این معارف، اتقان و استحکامی را برای این نوع انسان شناسی به ارمغان می آورد که در انسان شناسی فلسفی، عرفانی و تجربی یافت نمی شود. در انسان شناسی دینی اگر انتساب و استناد دیدگاه ها به دین، قطعی باشد، در اتقان و خطا ناپذیری آن ها شکی نیست؛ ولی در انواع دیگر انسان شناسی در عین آن که داده ها از تجربه، تعقل و یا سیر و سلوک به دست می آید، خطا ناپذیری آن ها به کلی منتفی نمی شود (رجبی، ۱۳۸۰: ۳۶).

ج) توجه به مبدأ و معاد

در انسان شناسی غیردینی، یا انسان به کلی بریده از مبدأ و معاد بررسی می شود - آن گونه که در انسان شناسی تجربی و برخی از نحله های انسان شناسی فلسفی و عرفانی مشاهده می شود- و یا در باب مبدأ و معاد انسان، در قالبی بسیار کلی سخن به میان می آید که نمی تواند برای چگونه زیستن و چگونه پیمودن راه کمال، کاملاً راه گشا باشد. در انسان شناسی دینی، مبدأ و معاد انسان، به عنوان دو بخش اساسی وجود انسان، مورد توجه و تأکید قرار می گیرد و به بیان روابط زندگی کنونی انسان با مبدأ و معاد به تفصیل پرداخته می شود. بر همین اساس، محکم ترین دلیل ضرورت بعثت انبیا که از سوی حکیمان اسلامی ارائه شده، بر ضرورت آگاهی از رابطه دنیا و آخرت و بایدها و نبایدهای مؤثر در سعادت انسان و ناتوانی عقل و تجربه بشری از دست یابی به آن مبتنی است (مصباح، ۱۳۶۲: ۴۳-۴۴).

د) بینش ساختاری

از دیگر امتیازهای انسان شناسی دینی آن است که از توجه به رابطه ساحت های مختلف انسان با یکدیگر، ترسیم می شود. در این بینش، گذشته، حال و آینده انسان، ساحت های جسم و جان، مادی و معنوی، بینش، گرایش و کنش وی و ارتباط آن ها و تأثیر و تأثر هر یک بر دیگری، مورد توجه قرار می گیرد (رجبی، ۱۳۸۰: ۳۷). ولی در انسان شناسی تجربی، فلسفی و عرفانی یا از ارتباط این ساحت ها با

یکدیگر غفلت می‌شود یا بدین گستردگی مورد توجه قرار نمی‌گیرد و فقط از ارتباط برخی ساحت‌ها با یکدیگر گفتگو می‌شود.

انسان شناسی قرآنی و برجستگی‌های آن

دین اسلام به بحث گسترده‌ای در باب انسان پرداخته است و خداوند در قرآن کریم به بیان ابعاد مختلف ساحات وجودی انسان به عنوان خلیفه الله و اشرف مخلوقات پرداخته است. انسان شناسی قرآنی نیز به گونه‌ای است که انسان را جزء جزء و پاره پاره نمی‌کند. انسان را محدود نمی‌کند و تک بعدی به او نمی‌نگرد که این معنا از دسترس عقل و تجربه بشر بیرون است. ویژگی دیگر انسان شناسی قرآنی، قطعی و اشتباه ناپذیر بودن داده‌های وحی و قرآن در باب انسان شناسی است که به خاطر اتصال داشتن به غیب، جزء اطمینان‌بخش‌ترین معارف به حساب می‌آید. ویژگی دیگر، آن است که قرآن کریم انسان را با آغاز و سرانجامش، گذشته، حال و آینده‌اش مرتبط و متصل می‌بیند که این شیوه در پیدا کردن راه کمال انسان و چگونگی پیمودن آن بسیار مؤثر است. ویژگی دیگر آیات انسان شناسی قرآن، آن است که هم انسان را مورد عالی‌ترین ستایش‌ها و تجلیل‌ها و هم مورد بدترین مذمت‌ها و نکوهش‌ها قرار داده است (ابراهیمیان، ۱۳۸۱: ۱۸). غرض قرآن کریم از بیان این دو دسته آیات به ظاهر متضاد، این است که: انسان، تنها موجود مختار، آزاد و انتخاب‌گر این هستی است که این توانایی را دارد تا از فرشتگان هم پیشی گرفته، آنان را به خدمت خویش بگمارد و خلیفه الله گردد و هم می‌تواند تا مقام پست‌ترین پدیده‌های هستی، تنزل و سقوط نماید (همان). این، خود اوست که باید درباره‌ی خود تصمیم بگیرد و سرنوشت خویشتن را تعیین نماید.

تعریف انسان

«یکی از مشکل‌ترین مسایل معرفتی در قلمرو انسان شناسی، تعریف انسان می‌باشد» (مؤمنی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۲۰). هرکس بر اساس جهان بینی خاص خود، او را مورد مطالعه قرار داده و تعریف کرده است. دانشمندان رشته‌های گوناگون علمی در شرق و غرب جهان، تلاش‌های فراوانی در جهت شناخت انسان متحمل شده‌اند. ولی در نهایت معترف شده‌اند که انسان را آن گونه که باید - یعنی